جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | پرویز شیخ طادی (فیلمساز) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

واکاوی تاریخ سینمای پس از انقلاب

حکایت سینماتوگراف ۲

انگار نه خانی رفته و نه خانی آمده بود!

سعید مستغاثی

بخش دوم

هنوز یک ماهی از پیروزی انقلاب سپری نشده بود که بعد از ظهر پنجشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۵۷، هیئت مؤسس سندیکای هنرمندان و کارکنان با صدور بیانیه‌ای در خیابان سزاوار تهران تشکیل جلسه داد. در این جلسه که موضوع آن، راه‌اندازی تولید سینما بود، به جز افرادی مانند بهروز وثوقی که به خارج کشور متواری شده بودند، اغلب حاضران همان‌هایی بودند که سینمای شاهنشاهی را می‌گرداندند و حضرت امام خمینی رحمه‌الله علیه در نخستین سخنرانی پس از ورودشان به وطن در بهشت زهرا و در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، سینمایشان را مرکز فحشاء اعلام کردند که به جای تربیت مردم و رواج تمدن، جوانان را به تباهی کشیده بودند. به قول آن ضرب‌المثل معروف «انگار که نه خانی رفته بود و نه خانی آمده بود!»

به دنبال جلسه فوق، روز شنبه اول اردیبهشت ۱۳۵۸، در جلسه‌ای دیگر هیئت منتخب جلسه اول، گزارشی ارائه داد مبنی بر عدم مشاهده خلاف از هیئت مدیره سابق و سپس هر گروه صنفی، نمایندگان خود را انتخاب کردند.

اما اسامی نمایندگان سندیکای هنرمندان و کارکنان سینما که قرار بود، سینمای پس از انقلاب را راه بیندازند، جالب توجه است:

رضا علامه‌زاده (عنصر چپ گرای مارکسیست که به دلیل همکاری با ساواک از اعدام نجات یافت و پس از انقلاب نیز به خارج کشور گریخت و به فعالیت‌های ضد انقلابی علیه انقلاب و مردم ایران مشغول شد)، سعید مطلبی (نویسنده و سازنده فیلمفارسی‌های قبل از انقلاب مانند «کوچه مردها»)، کامران شیردل (از مستندسازانی که در ارتباط با دفتر اشرف پهلوی وارد کار مستندسازی شد و به سفارش مؤسسات وابسته به اشرف کار می‌کرد)، محمد متوسلانی (یکی از ۳ بازیگر سری فیلمفارسی‌های به اصطلاح کمدی همراه منصور سپهرنیا و گرشا رئوفی)، باربد طاهری (از همکاران آریانا فیلم وابسته به سازمان سینمایی اشرف پهلوی)، هوشنگ بهارلو و نصرت‌الله کنی (از فیلمبرداران فیلمفارسی‌سازان)، سعید نیوندی (از کارمندان سفارت آمریکا که بنا به طرح این سفارت به فیلمسازی مستند در جهت منافع آمریکا روی آورد).

در همین شرایط «کانون سینماگران پیشرو» هم فعالیت‌های خود را از سر گرفت. کانونی که در سال‌های پیش از انقلاب توسط دفتر اشرف پهلوی و مدیر تولید موسسه سینمایی وابسته به اشرف یعنی بهمن فرمان‌آرا تاسیس شده بود و اعضایش اغلب در شکل‌گیری فیلم‌های موسوم به موج نو و پرده‌دری‌ها و ضدیت با فرهنگ و آیین‌ها و سبک زندگی ایرانی اسلامی، سهم عمده‌ای داشتند.

در تجدید حیات این کانون که اعضایش به دلیل مبارزات مردم مسلمان و نهضت امام به پستوها گریخته بودند، افرادی مانند بهمن فرمان‌آرا و هژیر داریوش و هوشنگ بهارلو و مسعود کیمیایی و کامران شیردل و داریوش مهرجویی و... حضور داشتند که بعضا چنان‌که در بخش‌های آینده خواهد آمد به دلیل وجود مسئولان و متولیان بی‌درایت و کم سواد، در انحراف سینمای پس از انقلاب نیز سهم عمده‌ای ایفا کردند.

وقتی بدهکاران، طلبکار شدند

کار به جایی رسید که تولیدکنندگان و واردکنندگان و پخش‌کنندگان فیلم‌های پیش از انقلاب نیز طلبکارانه وارد میدان شدند و ضمن اعتراف صریح به جرم‌های خود در به فساد کشاندن سینما و از آن طریق تلاش برای فاسد کردن جامعه و جوانان، به علت وادادگی مسئولان جدید، طلب ضرر و زیان‌های خود بابت عدم نمایش فیلم‌های مستهجن و مبتذلی را کردند که تولید یا وارد کرده بودند!

همچنان که در همان دوران یا کمی قبل‌تر کارکنان ساواک مقابل ساختمان نخست‌وزیری تظاهرات کرده و خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شده بودند!! یعنی در واقع دستمزد خود را بابت شکنجه و سرکوب و ظلمی که در حق مبارزان و انقلابیون مردم مسلمان انجام داده بودند، از کیسه همان مردم طلب می‌کردند.

و حالا با تاسی به طلبکاری ساواکی‌ها، این دسته از تولیدکنندگان فیلمفارسی‌های مبتذل و وارد کنندگان فیلم‌های خارجی مستهجن، بابت تخریب اذهان مردم و نسل جوان و در واقع اعمال نوعی دیگر از سرکوب و ظلم که به نوعی جاده صاف کن استبداد شاهی و استعمار خارجی بود، از کیسه بیت‌المال طلب جبران ضرر و زیان داشتند!!! ضرر و زیان بابت عدم نمایش فیلم‌های مبتذلی که تولید کرده و آثار مستهجن خارجی که وارد کرده بودند!! مثل آن است که مقادیر معتنابهی مواد مخدر برای تخدیر جوانان وارد مملکت کنند و بعد که آن مواد مخدر توقیف و مصادره شد، بابت عدم پخش آنها طلب جبران ضرر و زیان نمایند! جل الخالق!!

از جمله افراد فوق، منوچهر صادقپور سازنده آثار مبتذلی همچون «قهوه خونه قنبر» و «آقا مهدی کله پز» و... بود که صریحا به تولید و ورود فیلم‌های مستهجن خود، اعتراف کرد. وی در جلسه روز ۱۲ تیرماه ۱۳۵۸ با مسئولین جدید سینمایی گفت:

«...در جریان انقلاب، بیش از ۲۰۰۰ کپیه فیلم در سینماها طعمه حریق شد که اگر قیمت هر فیلم را بیست هزار تومان حساب کنیم، رقمی بالغ بر ۴۰ میلیون تومان ضرر متوجه تهیه‌کنندگان و وارد کنندگان فیلم شده است. همچنین به علت عدم نمایش فیلم‌هایی که قبل از انقلاب خریداری شده و هم اکنون اجازه نمایش ندارند، وارد کنندگان، بین ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان ضرر کرده‌اند. این فیلم‌ها دارای صحنه‌های سکسی و خشونت‌آمیز است...»

شاید بتوان ریشه برخی انحرافات سینمای پس از انقلاب را در همین برخوردهای تسامح‌آمیز با مجرمان فرهنگی دوران شاهنشاهی دانست که موجب طلبکاری آنها از انقلاب و مردم شد و سرانجام به بازگشت آنها و فرهنگشان در این سینما منجر گردید.

بزرگداشت «پروانه معصومی» با مرور گفت‌وگوهایش با کیهان

پروانه‌ای رها از پیله‌ها

آرش فهیم

نام شناسنامه‌ای‌اش سکینه کبودرآهنگی بود اما در افواه عمومی به «پروانه معصومی» شهرت یافت. نامی با مسما که با شخصیت، سلوک و سرنوشت وی تناسب داشت. او قبل از انقلاب بازیگری را شروع کرد -هرچند همان زمان هم گزیده کار بود و هیچ گاه با فضای آلوده آن دوران همراه نشد- و بعد از انقلاب هم همواره پاک و معصوم ماند و چون پروانه‌ای بود که از پیله روزمرگی‌ها و حواشی عرصه سینما رها بود. به خاطر همین هم برخی ناپاکان روزگار که هنرمند را برده قدرت و شهوت و ثروت می‌پندارند، به او پیله می‌کردند و تهمت می‌زدند و توهین می‌کردند. اما او از نوادر عرصه هنر بود که هیچ‌گاه تأثیری از این تیرهای کین نیافت و به راه روشن خود با وفا ماند. او در جای درست تاریخ ایستاد و با مردم و مردمی ماند. او برنده سیمرغ جشنواره فیلم فجر شد، اما این جوایز و نشان‌ها هیچ‌گاه مایه غرور و تکبر او نشدند. چنان‌که افتخار و موفقیت را در جای دیگری می‌دانست.

مرحومه پروانه معصومی طی دو دهه اخیر گفت‌وگوهای مختلفی با روزنامه کیهان انجام داد که در آن‌ها بخشی از خاطرات و دیدگاه‌ها و نظراتش را بیان نمود. به همین مناسبت، به مرور این مصاحبه‌ها می‌پردازیم.

اجاره‌نشینی باعث شد از تهران بروم و به شمال پناهنده شوم!

پروانه معصومی سال‌ها از تهران دور بود و روستایی در استان گیلان را سکنی گزیده بود و به کار کشاورزی مشغول بود. وی بارها از علاقه‌اش به طبیعت بکر استان گیلان و مردم آن خطه و زندگی روستایی به عنوان مهم‌ترین دلایل این نوع سکونت سخن گفته بود، اما گرانی مسکن و اجاره را هم یکی از این دلایل برشمرده بود. معصومی در مصاحبه‌ای با کیهان، از درد مستأجرین حرف می‌زد و می‌گفت: من خودم سال‌ها در تهران اجاره‌نشین بودم و این افزایش سالانه اجاره‌بها معضل بزرگی برایم بود. به همین جهت از تهران فرار کردم و به شمال پناهنده شدم و رفتم و با پولی که داشتم در شهر کوچکی یک خانه تهیه کردم و از تهران دور شدم. اما نمی‌توان از آنها که ممر درآمدشان در تهران است انتظار داشت چنین کاری کنند... می‌دانم و آگاه هستم که گرانی‌ها و گرانی اجاره مسکن چه فشاری به اغلب مردم می‌آورد ولی یک گله هم از هم‌میهنان دارم و آن اینکه به محض اینکه متوجه می‌شوند چیزی گران شده است، می‌روند و سه برابر می‌خرند و ناخودآگاه با سوداگران همکاری می‌کنند.

معصومی در همین گفت‌وگو بر رسالت جامعه هنری هم تأکید و تصریح کرد: مسلماً وزیری که در رفاه زندگی می‌کند خبر ندارد مستأجران چه می‌کشند پس این وظیفه دستگاه‌های فرهنگی است که در این‌باره اطلاع‌رسانی کنند. از سینما گرفته تا تلویزیون تا رادیو و تئاتر و حتی موسیقی باید در این زمینه به خدمت گرفته شوند.

پروانه معصومی همچنین از کار کشاورزی‌اش هم صحبت می‌کرد و اینکه برای چند خانواده ایجاد شغل و درآمد کرده است. او در این رابطه گفت: من خیلی خوشحال هستم که می‌توانم این کار را ایجاد کنم. توان این را هم دارم تا این کار را توسعه دهم و افراد بیشتری که فاقد شغل هستند را به‌کار گیرم.

اما سرمایه لازم را ندارم. اگر چنین سرمایه‌ای فراهم شود، توان مدیریت برای اشتغال‌زایی را دارم. در این ۲۰ سالی که مشغول کشاورزی هستم، به خوبی این کار را یاد گرفته‌ام. من کسی نیستم که یک‌جا بروم و فقط استفاده کنم، بلکه اهل کار و تولید هستم. البته آموزش این کارها بسیار راحت است و یک نفر می‌تواند به سادگی کشاورزی را بیاموزد. اما به شرط اینکه علاقه داشته باشد. همان‌طور که اگر آدم عشق بازیگری داشته باشد، تلاش می‌کند تا به خواسته‌اش برسد، در این زمینه هم باید عاشق باشد تا بتواند کاری کند. خوشبختانه با وجود اینترنت و همچنین کتاب‌های فراوان، هرکس علاقه‌مند باشد می‌تواند در زمینه کشاورزی فعالیت کند. شما اگر به منزل من در این‌جا بیایید، می‌بینید که یک کتابخانه پر از کتاب‌های مربوط به کشاورزی دارم.

انتقاد از ابتذال

«پروانه معصومی» یکی از بازیگرهای گزیده‌کار در سینما و تلویزیون بود و معمولاً آثاری را انتخاب می‌کرد که درونمایه خوب و پاکیزه‌ای داشتند. «مسافر ری»، «یوسف پیامبر»، «امام علی(ع)» و... برخی از کارهای فاخر این بازیگر هستند. او همچنین از منتقدان سرسخت آثار مبتذل و استفاده ابزاری از زنان در سینما و تلویزیون بود. یک بار در مصاحبه‌ای با کیهان اظهار داشت: میزان تخریبگری فیلم‌های مبتذل در جامعه بسیار بالا است؛ متأسفانه کودکان و نوجوانان ما که آینده‌سازان کشور هستند وقتی به سینما می‌روند تنها ابتذال می‌بینند و بس و تأثیرات منفی این اتفاق در سال‌های آتی در سطح عمومی جامعه مشاهده خواهد شد. اگر دقت کنید در برخی از فیلم‌ها چیزی به اسم عفت کلام وجود ندارد؛ بنده در یکی از شبکه‌های پربیننده تلویزیون سریالی را تماشا می‌کردم که زن به شوهرش می‌گفت «تو غلط کردی! تو نمی‌فهمی!» من تعجب می‌کنم که این مسائل مطرح می‌شود. وقتی در سینما و شبکه نمایش خانگی قید محدودیت سنی مطرح می‌شود، دیگر آزاد می‌شوند هر کاری دلشان می‌خواهد انجام بدهند؛ ضمن اینکه وقتی محدودیت سنی در فیلم‌ها قید می‌شود، افراد بیشتری برای دیدن فیلم علاقه نشان می‌دهند؛ چون معمولاً افراد به چیزهایی که منع می‌شوند، رغبت بیشتری نشان می‌دهند. به‌نظرم باید ابتدا فرهنگ‌سازی شود که خانواده‌ها محدودیت سنی را در تماشای فیلم‌ها رعایت کنند. چون وقتی کودک و نوجوان پای فیلم‌های ضدفرهنگی می‌نشینند، تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این مسائل می‌تواند به فرهنگ جامعه لطمه بزند.

او همچنین معتقد بود که برای جلوگیری از اجحاف به برخی از بازیگران زن، مدیران باید بر فضای پشت صحنه پروژه‌های سینمایی و تلویزیونی نظارت بیشتری داشته باشند. پروانه معصومی، بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگو با کیهان درباره نامه ۳۰ بازیگر زن و گلایه از سوءاستفاده برخی تهیه‌کننده‌ها از بازیگران زن، گفته بود: من در سال‌های بعد از انقلاب و حداقل در تلویزیون، به هیچ وجه نشانه‌ای از این‌گونه مسائل را ندیده‌ام، ولی حتماً این خانم‌های بازیگر از شرایط خودشان به تنگ آمده‌اند و به جایی رسیده‌اند که آنها را مجبور به بازگو کردن این مسائل کرده است. به ویژه اینکه این روزها با مشکلات کاری هم مواجه شده‌اند.... من از خانم‌های بازیگر خواهش می‌کنم که فاصله خود را با افرادی که مشکل دارند حفظ کنند. من خودم دردورانی که خیلی جوان بودم، در پروژه‌ای فعالیت می‌کردم که کارگردان من را به اسم کوچک صدا کرد. اما من طوری با او برخورد کردم که درکار خودش تجدید نظر کرد.

معصومی همچنین بر لزوم استفاده از افراد درستکار و با اخلاق به عنوان کارگردان و تهیه‌کننده تأکید کرد و گفت: تجربه سریال «یوسف پیامبر(ع)» نشان داد که با حضور افراد با اخلاق به عنوان کارگردان و تهیه‌کنندگان، احترام بازیگران زن نیز حفظ می‌شود. در سریال «یوسف پیامبر(ع)» حضور افرادی مثل مرحوم فرج‌الله سلحشور و جمال شورجه باعث شد تا همه بازیگران و به ویژه بازیگران زن بتوانند حرف خود را بزنند و کار خود را به خوبی انجام دهند. هر چند که دیگر هیچ فردی با خصوصیات اخلاقی فرج‌الله سلحشور نخواهد آمد و او یک آدم کم‌نظیر بود، اما حداقل انتظار از مدیران سینما و تلویزیون این است که کارها را به افراد صالح بسپارند. این بازیگر همچنین بر لزوم افزایش نظارت تأکید کرد و گفت: مدیران باید بر پروژه‌ها نظارت بیشتری کنند. خیلی خوب می‌شود اگر نظارتی باشد تا اجحافی به کسی نشود. معصومی همچنین ابراز داشت: امیدوارم وضعیت صداوسیما به گونه‌ای شود که در سریال‌ها فقط یک عده خاصی از بازیگران به بازی گرفته نشوند. متأسفانه مدتی است که می‌بینیم، تعدادی بازیگر به‌طور همزمان در چندسریال بازی می‌کنند و بازیگرانی هم هستند که مدت‌هاست کار نکرده‌اند.

می‌خواهم به غزه بروم و از کودکان دفاع کنم

پروانه معصومی، می‌گفت: ای کاش شرایط طوری بود که می‌توانستم به غزه بروم و از بچه‌های فلسطینی دفاع کنم.

معصومی در گفت‌وگو با کیهان درباره احساس خود نسبت به کشتار زنان و کودکان بی‌گناه در غزه اظهار داشت: این اتفاقات، جگر آدم را خون می‌کند. باور بفرمایید که اگر می‌توانستم به غزه می‌رفتم و از این بچه‌های بی‌گناه دفاع می‌کردم... ما سال‌هاست که در کشورمان درکنار یهودیان زندگی می‌کنیم و آنها، انسان‌های بسیار نازنینی هستند و حسابشان از صهیونیست‌ها جداست اما ما همیشه از صهیونیست‌ها متنفر هستیم. آنها، همان قومی هستند که حتی به پیامبر خودشان هم رحم نکردند و حضرت موسی(ع) هم آنها را نفرین کرد. من هیچ وقت از مرگ هیچ انسانی خوشحال نشده‌ام. اما اسرائیلی‌ها کاری کرده‌اند که وقتی در خبرها می‌شنوم چند سرباز صهیونیست کشته شده‌اند، ذوق می‌کنم. این اسرائیلی‌ها کاری کرده‌اند که از مرگ آنها خوشحال می‌شوم. امیدوارم خدا خودش یک جوری تقاص جنایت‌های اسرائیلی‌ها را به آنها پس بدهد و دست خدا آنها را سر جایشان بنشاند.

عضویت در بسیج هنرمندان

«پروانه معصومی» یکی از اعضای بسیج هنرمندان بود. وی در مصاحبه‌ای به مناسبت هفته بسیج به کیهان گفته بود: من همیشه احترام ویژه‌ای برای بسیجی‌ها قائل هستم و معتقدم که آنها یاور مردم هستند؛ به ویژه بسیجیان جهادگر که قابل تحسین هستند.«عضو بسیج هنرمندان هستم» چون خط مشی خاصی را در کار هنری دنبال می‌کنم و سعی می‌کنم از آن خط خارج نشوم، حضورم در بسیج هنرمندان نیز در جهت همین خط مشی است. این بازیگر همچنین با اشاره به فعالیت‌های جهادی بسیجیان در مناطق محروم، بیان کرد: قبلاً هم عرض کرده بودم که کار جهادگران بسیجی بسیار بزرگ و تحسین‌برانگیز است. چرا که آنها بدون منیت و تظاهر، به جاهایی رفتند که کمتر کسی پایش را به آن مناطق گذاشته بود و برای محرومیت‌زدایی و خدمت به مردم محروم و رضای خدا، ازخودگذشتگی و خدمت کردند.

شهدا تعهد من را چند برابر کردند

پروانه معصومی در زمان تشییع ۱۷۵ غواص شهید گفته بود: این شهدا احساس تعهد و بدهکاری من به شهدا را چند برابر کردند.

وی در گفت‌وگو با کیهان اظهار داشت: هر وقت شهیدی را می‌آورند یا مراسم تشییع پیکر شهدا برگزار می‌شود، غم عجیبی در دلم پدیدار می‌شود. اما غواص‌هایی که با دستان بسته شهید شدند و این ۱۷۵ نفری که اغلب زنده به گور شده و بدون هیچ زخمی به شهادت رسیده‌اند، درد سنگینی را روی دلم گذاشتند. ما همیشه به شهدا بدهکاریم، اما غواص‌های شهید، حس تعهد و بدهکاری من به شهدا را چند برابر کرده است.

پروانه معصومی، همچنین از مطالبه‌گران فیلم دفاع مقدس بود و در گفت‌وگو با کیهان گفته بود: به نظرم این فیلم‌ها گنجینه‌ای بسیار پر و پیمان و با ارزش هستند. به ویژه اینکه من معمولاً جزو علاقه‌مندان پر و پا قرص این نوع فیلم‌ها هستم.... با توجه به اینکه از سینما چندان توقعی نمی‌توان داشت، اما از صداوسیما تقاضا می‌کنم که کمی بیشتر به دفاع مقدس بپردازد.

وی درباره اهمیت پرداختن به مدافعان حرم در سینما نیز اظهار می‌دارد: تصور من این است که اگر ما به سینمای دفاع مقدس که بحث مدافعان حرم هم در دل آن می‌گنجد بپردازیم، حس حماسی را در بسیاری از مردم بیدار می‌کند و می‌تواند در زمینه دفاع از حرم هم تأثیرگذار باشد. بنابراین، چه بهتر که هزینه‌های هنگفتی که برای ساخت برخی از آثار و سریال‌ها می‌شود، برای چنین فیلم‌هایی هزینه شود.

«ساترا»؛ استقلال اجرائی در عین هویت وابسته

دکتر هادی مرادی

اخیراً شورای نگهبان در بررسی لایحه عفاف و حجاب به واسطه تعیین برخی وظایف برای سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی، ابهاماتی را درخصوص این سازمان مطرح کرده که در میان جراید و پایگاه‌های خبری موافق و مخالف، واکنش‌هایی را به همراه داشته است.

در این بین، برخی رسانه‌ها با نگاهی بدبینانه این اتفاق را نشانه‌ای از پایه‌ریزی نادرست حوزه نظارت بر شبکه نمایش خانگی برمی‌شمارند و رسانه‌های دیگر نیز در مقابل، اعتقاد دارند ابهام شورای نگهبان تنها یک ایراد شکلی است و اساس نظارت بر شبکه نمایش خانگی را زیر سؤال نمی‌برد.

فارغ از فضای مثبت و منفی رسانه‌های مختلف در این باب، آنچه مهم و اصولی به نظر می‌رسد، تأکید نهادهای مختلف بر اجرای دقیق قوانین است. به هر حال، مجلس شورای اسلامی در یک روند قانونی، لایحه عفاف و حجاب را بررسی کرده و در نهایت مطابق آیین‌نامه‌ها و قوانین مربوطه بعد از شنیدن نظرات موافق و مخالف نمایندگان مردم، کمیسیون‌های مربوطه و نمایندگان دولت، آن را در صحن مجلس به تصویب رسانده و سپس برای اظهارنظر شورای نگهبان ارسال کرده است. در این قانون، وظایفی نیز برای نهاد تنظیم‌گر صوت و تصویر فراگیر تعیین شده و ساترا به عنوان بخشی از سازمان صدا و سیما، مسئول اجرای قانون در حوزه صوت و تصویر فراگیر و نمایش خانگی تعیین شده است. تردیدی نباید داشت که شورای نگهبان که وظیفه بررسی و انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی را با شرع مقدس و قانون اساسی را برعهده دارد، علی‌القاعده می‌بایست بدون توجه به حواشی و فضاسازی‌های رسانه‌ای، با دقت و توجه کامل مصوبات مجلس را مورد مداقه قرار دهد و به اصطلاح مو را از ماست بکشد و ابهامات احتمالی را مطرح کند تا مجلس پس از رفع ابهامات دوباره، آن را بررسی کرده و به نتیجه برساند.

مطابق اعلام دبیرخانه شورای نگهبان در بخشی از اعلام نظر روشن و صریح خود درباره لایحه عفاف و حجاب، بندهای ۷ و ۹ به جهت روشن نبودن نسبت آنها با مصوبه جلسه ۸۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد تعیین الزامات ساماندهی حوزه صوت و تصویر فراگیر و بندهای ۸ و ۹ با توجه به روشن نبودن وضعیت اساسنامه سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی «ساترا» ابهام دارد که پس از رفع ابهام اظهارنظر خواهد شد.

بنابراین ساترا که ماهیتاً به عنوان معاونتی تخصصی ذیل سازمان صدا و سیما، مکلف به حمایت و نظارت بر صوت و تصویر فراگیر و نمایش‌خانگی است، می‌بایست با همکاری و کمک بخش‌های مربوطه در سازمان صدا و سیما، دولت، مجلس و شورای نگهبان این ایرادات شکلی را برطرف کرده و تلاش کند تا ابهامات اعلام شده را روشن گرداند.

یکی از این اقدامات مؤثر با توجه به طول کشیدن طی مراحل قانونی تصویب و ثبت اساسنامه ساترا، جایگزینی عبارت «سازمان صدا و سیما» به جای «ساترا» است.

این اقدام، این بحث را اثبات می‌کند که اولاً نظارت سازمان صدا و سیما بر شبکه نمایش خانگی قطعی است، ثانیاً «ساترا» درون سازمان صدا و سیما این مسئولیت را دارد و ثالثاً در عین استقلال اجرائی، هویتی مستقل در حکمرانی کشور ندارد.

همچنین تأکید بر این نکته لازم است که طبق استفساریه شورای نگهبان، همین سازمان صدا و سیما مرجع صوت و تصویر فراگیر است.

در پایان ذکر این نکته اهمیت دارد که ضمن تأیید رفتار سنجیده هر دو سوی ماجرا، یعنی شورای نگهبان در ایراد مطرح شده و سازمان صدا و سیما و ساترا در تلاش برای رفع ابهام شورای نگهبان، به نظر می‌رسد برخی رسانه‌ها علاقه دارند از اعلام نظر شورای نگهبان، تأییدی بر نظرات اشتباه و مغرضانه خود استخراج کنند و با استفاده از این اتفاق، انتقاد ناجوانمردانه‌ای را بر ساترا تحمیل کرده و سعی کنند تا «ساترا» از گردونه نظارت بر شبکه نمایش خانگی خارج شود که این‌گونه مسایل در کنار یادآوری نظر قبلی شورای نگهبان درخصوص مشروعیت انحصاری سازمان صدا و سیما برای تنظیمگری صوت و تصویر فراگیر بیانگر هجمه حساب شده به نهاد تنظیم‌گری است که طی یکسال و نیم اخیر به اذعان دوست و دشمن در تنظیم‌گری تعاملی خود بسیار موفق عمل کرده است.